

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاند تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

23 مارچ 2013

اشعار برگزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(بیست)

نوای مرغ طوفان

در دل تیـره شب سـوزدم آتـش تب
جان بگداخته ام آمده بـاز به لب
نگران گشته، پریش خیزم از بسترِ خویش
عقربِ ظالم یأس میـزند بازم نیش
کنم آهسته خـرام تا روم یک دو سه گام
تا مگر یک دو نفس دل بگـیرد آرام
میـرسم بر لبِ در افگـنم دور نظر
جانب رودِ بزرگ که خـرشد یکسر
با سـرودِ هستی با کـمالِ مستی
مرغ طـوفان گوید زندگـی، آبستی

تند و تیز و چالاک	خط ره سازد پاک
مینماید جاروب	از مسیرش خاشاک
دل به دریا بسیار	از خطر ترس مدار
گهر از بستر رود	همچو غواص برآر
منطق سیر زمان	کند این گونه بیان
که رود پیشش همیشه	چرخ تاریخ جهان
همچو برقی ز شهاب	تند، یکباره بتاب
کز نهیب خیزند	خفتگان زود از خواب
هله! از جا برخیز	از سیاهی مگریز
بلکه با مشعل نور	سخت با آن بستیز
بنگر صبح دمید	سخر تازه رسید
سینه دیو سیاه	نیزه نور درید
زان همه جوش و خروش	آیدم باز به گوش
کای دل افسرده ز غم	جهد بنمای و بکوش
تا به کی بی اثری	اینچنین بی خبری؟
چون نهال خشکی	این چنین بی ثمری؟
نیست معنی حیات	ایستن از حرکات
بایدت در همه عمر	پایمردی و نبات
گر توئی تشنه آب	طرف دریا بشتاب
هان بیندیش که باز	نروی سوی سراب

بنگر مستی موج که رود فوج به فوج
که رساند ز خروش شورِ توفنده به اوج
نکند هیچ درنگ میشگافد دلِ سنگ
قلبِ پر عظمت آن نیست چون قلبِ تو تنگ
دلِ دریا نرم است رزم هستی گرم است
نتپیدن پیّی آب تشنگان را شرم است
صبح در جامِ وجود جرعه ای یأس نبود
به تو مرغ طوفان یک جهان باد درود!